

خوانش بینامتنی اشعار عرفانی علامه حسن زاده آملی با قرآن کریم

جواد عابدی^۱، حسین پارسایی^{۲*} و رضا فرصتی جویباری^۳

چکیده

نظریه بینامتنیت یکی از پرکاربردترین مسائل نقد ادبی است؛ یکی از مواردی که موجب زیبایی و دل‌نشینی آثار ادبی می‌گردد، تأثیرپذیری شاعران و نویسندگان از متون دیگر است و واکاوی آنها لذت بخش است. سراسر اشعار علامه حسن زاده آملی، سرشار از مفاهیم عرفانی، مضامین قرآنی و روایات می‌باشد، اشعارش سرشار از مضامین و مفاهیم عرفانی است، از این حیث شعرهای او از پشتوانه عرفانی بسیار غنی برخوردار است و با توجه به رویکرد بینامتنیت قابل بررسی می‌باشد. در این مقاله تلاش بر آن است، مفاهیم عرفانی و مضامین قرآنی در اشعار علامه حسن زاده آملی با نگاه بینامتنی که به روش تطبیقی و «تحلیلی - توصیفی» است، مورد تحلیل قرارگیرد. بنابر این اشعار عرفانی او بر مبنای بینامتنی با قرآن کریم خوانش می‌شود؛ علامه کوشیده است ضمن بیان احساسات خود در شعر به مسائل اعتقادی، آداب اسلامی و قرآنی بپردازد. با بررسی‌های به عمل آمده در اشعار علامه، انواع روابط بینامتنی از جمله: اشاره‌ای، الهامی و مفهومی، اسلوبی، جزئی و واژگانی دیده می‌شود، اما به ترتیب، روابط الهامی و مفهومی، واژگانی، جزئی، اسلوبی بیشتر نمایان است.

کلید واژه‌ها: بینامتنیت، مفاهیم عرفانی، دیوان اشعار، علامه حسن زاده، قرآن.

^۱ - دانشجوی دکترای گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران.

^۲ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران. (نویسنده مسئول)

hosseinparsaei46@gmail.com

^۳ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۲۷

تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۰۳/۰۳

مقدمه

«كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ» کتابی است که فرو فرستادیدمش به تو با برکت تا تأمل کنند در آیت هایش و تا پند گیرند صاحبان خرد». (ص / ۲۹)

آفرینش هر اثر، به واسطه تأثیرپذیری از مطالعه متون دیگر خود یک هنری ماندگار است؛ در طی روزگاران گذشته شاعران و سخنوران بسیاری با بهره‌گیری از این روابط که «بینامتنیت» نام دارد، آثار ارزشمندی را به یادگار گذاشته‌اند که موجب شگفتی شده‌اند و در جایی تأثیرپذیری کلام را به اوج رسانده‌اند که چشمه وجود را به سرچشمه فیض انوار الهی و سخنان گرانقدر ائمه معصومین (علیهم السلام) پیوند داده‌اند. «هر ملتی به سرمایه‌هایی، اعم از مادی و معنوی می‌نازد. یکی از سرمایه‌های جاودانی و افتخارآمیز ما ایرانیان نیز سروده‌های شاعران و سخنوران و نوشته‌های دبیران و نویسندگان و تأملات صوفیان و عارفان و اندیشه‌های حکیمان و فیلسوفان و متکلمان ایرانی مسلمان است، و همه می‌دانند که بسیاری از آیات و عبارات این بزرگان را اشاره، تلمیح، اقتباس، تحلیل آیات، قصص و تمثیل‌های گوناگون این کتاب مبین و سخنان پیامبر بزرگوار خدا تشکیل می‌دهد. همه آن بزرگان در عبارت پردازی، استدلال و بیان ما فی الضمیر خود از این موارد بهره‌مند شده‌اند.» (حلبی، ۱۳۹۰: ۴) و هنگامی که آثار خود را به این منابع مذهبی آمیخته‌اند، آثارشان به مراتب ارزشمندتر و زیباتر شده است؛ «بهره‌گیری از قرآن و حدیث در شعر و سروده، افزون بر این که نشانه دانشمندی و علم اندوزی و روشنفکری بود و این خود گونه‌ای افتخار برای گوینده شمرده می‌شد، به دلیل قداست و حرمت مذهبی و معنوی قرآن و حدیث، به سروده شاعر نیز قداست و حرمت می‌بخشید و سخن آنها را برای مردمی که به قرآن و حدیث به دیده حرمت می‌نگریستند، ارجمندتر و پذیرفتنی‌تر می‌ساخت.» (راستگو، ۱۳۹۷: ۵) و «براساس منابع مذهبی، که عرفا اصول و مبانی عقاید و اعمال خود را، مأخوذ از اسلام، و حتی حقیقت اسلام می‌دانند.» (یثربی، ۱۳۷۰: ۱۰۷) بر کسی پوشیده نیست که مبانی اعتقادی بویژه دستورات قرآن کریم و احادیث و روایات به شکل‌های گوناگون در زندگانی مردم تأثیرگذار بوده است؛ دانشمندان عرصه شعر و ادب نیز از این قاعده مستثنی نبوده‌اند و در آثار خود از این منابع عظیم بهره گرفته‌اند و اصطلاحات و مفاهیم عرفانی در آثارشان به فراوانی دیده می‌شود؛ چون «در

بسیاری موارد، بعضی اصطلاحات عرفانی بر مبنای آیتی از قرآن مجید یا حدیث و یا حکایت و واقعه‌ای است.» (دانش پژوه، ۱۳۸۶: ۴) در مبحث تأثیرپذیری از منابع مذهبی بویژه قرآن کریم، «بینامتنی با قرآن دارای گونه‌های متعددی است. گاه این تأثیرپذیری در عمق مفاهیم و مضامین شکل می‌گیرد و گاه در ساده‌ترین صورت آن، تضمین یک واژه، عبارت، اندیشه یا رویداد و شکلی گسترده‌تر مجموعه‌ای از آیات است.» (شاهرخی، ۱۳۹۷: ۲۰۲)

علّامه حسن‌زاده آملی، عارفی شاعر است؛ او با سرودن اشعار، هنر خود را در زمینه شعر و ادب، مانند دیگر علوم به نمایش درآورده است، دیوان اشعارش سرشار از عرفان است و سراسر آن از آیات قرآنی و تعالیم انسان ساز آسمانی و الهی برگرفته می‌باشد.

بیان مسأله

علّامه حسن‌زاده آملی عارف وارسته‌ای است که اشعارش با عرفان و ادب آمیخته است و با احاطه کاملی که از علوم قرآنی و احادیث و روایات دارد، به خوبی، آن‌ها را در بافت سخن و شعر خود قرار داده است؛ و «بی‌تردید عرفان، مکتبی است پیشتاز و عارف، انسانی است عالی همّت و بلندپرواز؛ زیرا از دیدگاه معرفت‌شناختی، فیلسوف می‌خواهد حقیقت را بفهمد اما عارف می‌خواهد به حقیقت رسیده با آن متحد شده و در آن فانی گردد.» (یثربی، ۱۳۸۵: ۱۶) علّامه با طی کردن این سیر و سلوک به «حقیقت» رسیده است.

مهم‌ترین هدف این پژوهش، خوانش بینامتنی اشعار عرفانی علّامه حسن‌زاده آملی با قرآن کریم می‌باشد، به همین خاطر این مقاله برآن است به این پرسش بنیادین پاسخ دهد که علّامه، تا چه اندازه در سرودن شعرهای خود از قرآن کریم بهره‌مند شده است؟

روش تحقیق

روش پژوهش با رویکرد تطبیقی و «تحلیلی-توصیفی» و به گونه کتابخانه‌ای و فیش‌برداری صورت گرفته است تا چشمه‌هایی از مفاهیم عرفانی و تعالیم قرآنی در اشعار علّامه حسن‌زاده آملی را مورد تحلیل قرار دهد. در این مقاله خوانش بینامتنی اشعار عرفانی علّامه حسن‌زاده آملی با قرآن کریم صورت می‌گیرد و بعد از تحلیل محتوایی، بسامد انواع روابط بینامتنی مشخص می‌شود.

ضرورت و اهمیت انجام پژوهش

علامه حسن زاده آملی، یکی از دانشمندان حوزوی معاصر است که با آفرینش آثاری منظوم در عرصه شعر و ادب پا گذاشته است و پنجره‌ای دیگر برای ادب دوستان و اهل فن باز نموده است، او مانند دیگر عارفان شاعر، از مضامین قرآن و احادیث ائمه معصومین (علیهم السّلام) به شکل گسترده‌ای اقتباس کرده است؛ این مضامین در شعرهایش، به واسطه نیروی شگفت‌انگیز و تأثیرگذاری شگرف، به شکل‌های گوناگون دیده می‌شود. پژوهشگران، اشعار علامه را در دیگر صنایع معنوی و بدیعی مورد بررسی قرار داده‌اند اما پژوهشی در زمینه تأثیرپذیری و تجلی از منابع «قرآنی و احادیث و روایات» با رویکرد «بینامتنیت» صورت نگرفته است، همین امر، موجب آن شده است که خوانش بینامتنی اشعار عرفانی علامه با قرآن کریم به انجام برسد.

پیشینه تحقیق

آفرینش آثار ادبی، تأثیرپذیر از آثار پیش از خود می‌باشد و بررسی پیشامتن و پسامتن در حیطه نظریه بینامتنی است؛ در خصوص بینامتنیت و تأثیرپذیری از متون دیگر و انواع روابط بینامتنی، آثاری ارزشمند با قلم استادان و محققان انجام گرفته است اما پژوهشی درباره تأثیر پذیری اشعار عرفانی علامه حسن زاده آملی با قرآن کریم، صورت نگرفته است، لذا این پژوهش از این بابت جنبه نوآوری دارد.

هرچند پژوهشی در رابطه با عنوان مطرح شده، صورت نگرفته است اما آثار و پژوهش‌هایی با موضوع بینامتنیت به انجام رسیده است که به چند نمونه مرتبط از آن اشاره می‌شود.

هنگامی که سخن از پیشینه تحقیق «بینامتنیت» به میان می‌آید، بی تردید به سه منبع ارزشمند برمی‌خوریم که در آنها مطالب جامع و شامل درباره «بینامتنیت» مشاهده می‌گردد؛ نخست، کتاب «بینامتنیت»، (۱۳۸۰)، اثر گراهام آلن (Graham Allen)، ترجمه پیام یزدانجو می‌باشد، در این کتاب درباره «بینامتنیت»، خاستگاه آن و کسانی که در اروپا در این رابطه فعالیت‌ی و یا نظراتی داشته‌اند، بیان شده است. دوم، کتاب «درآمدی بر بینامتنیت»، (۱۳۹۰)، اثر دکتر بهمن نامور مطلق می‌باشد که در ایران برای محققان بسیار ارزشمند است؛ او در این کتاب به طرح اولیه نظریه «بینامتنیت» توسط

خانم بلغاری، یولیا کریستوا (Julia Kristeva)، اشاره می‌کند و بیان می‌دارد، صفت «بینامتنیت» پیش از پیش وجود داشته است و نظرات دیگران چون ریفاتر (Refatter) و ترامتنیت ژنتی (Genette) را مطرح می‌کند و جایگاه امروز «بینامتنیت»، (۱۳۹۷)، را موضوع و روش خوبی برای تحقیق می‌داند. سوم، کتاب «تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی» اثر سید محمد راستگو می‌باشد؛ او ابتدا در این کتاب، زمینه‌ها و پیشینه اثر پذیری شاعران فارسی گوی از قرآن و حدیث را بیان می‌کند و سپس شیوه‌ها و گونه‌های اثر پذیری از قرآن و حدیث را با نمونه‌هایی می‌نویسد.

تحقیقاتی هم در ارتباط با موضوع بینامتنیت می‌باشد که به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود:
- خانم فرنگیس شاه‌رخی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی انواع روابط بینامتنی اشعار احمد عزیزی و قرآن کریم» که در فصلنامه علمی- پژوهشی «کاوش نامه» در شماره ۳۶ سال ۱۳۹۷ به چاپ رسیده است، به انواع روابط بینامتنی و نظراتی در این زمینه اشاره می‌کند.

- مقاله‌ای با عنوان «بینامتنیت آیات و روایات در گلستان سعدی» در مجله علمی- پژوهشی «پژوهش‌های ادبی- قرآنی» در شماره ۴ سال ۱۳۹۴ به قلم جناب دکتر احمد رضا یلمه‌ها و جناب مسلم رجبی چاپ شده است. در این مقاله بر اساس نظریه بینامتنیت، قرآن و نهج البلاغه به عنوان متن غایب و گلستان سعدی به عنوان متن حاضر در شکل‌های «واژگانی، معنایی و حوادث و شخصیت‌های قرآنی و ...» تبیین و تفسیر می‌شود.

- جناب علی اصغر حبیبی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی روابط بینامتنی میان شعر صفی‌الدین حلّی و قرآن کریم» که در فصلنامه «علوم قرآن و حدیث» در شماره ۴ سال ۱۳۹۲ به چاپ رسیده است، می‌نویسد که شاعر چند نشانه را در کلام یادآور می‌شود، به طوری که خواننده را به متن غایب سوق می‌دهد.

۱. مبانی نظری

«آثار ادبی براساس نظام‌ها، رمزها و سنت‌های ایجاد شده توسط آثار ادبی پیشین بنا می‌شوند. نظام‌ها، رمزها و سنت‌های دیگر آشکال هنری و در کل، نظام‌ها، رمزها و سنت‌های فرهنگی نیز در شکل‌گیری معنای یک اثر ادبی اهمیتی اساسی دارند. نظریه پردازان مدرن متون،

خواه متون ادبی و خواه متون غیر ادبی را فاقد هرگونه معنای مستقل می‌دانند. متون متشکل از همان چیزی هستند که نظریه پردازان اکنون آن را امر بینامتنی می‌دانند ... بینامتنیت از جمله متداول‌ترین اصطلاحات مورد استفاده و سوء استفاده در دایره واژگان نقادانه معاصر است.

واژه «متن» (text)، اگر معانی اصلی‌اش را به یاد آوریم، دال بر یک بافته، یک بافت درهم تنیده است. همچنان که بارت (Barthes) بحث می‌کند، ایده متن و ... بینامتنیت، وابسته به انگاره‌های شبکه توری، بافت و جامه‌ای (متنی) درهم تنیده از تار و پود از پیش نوشته‌ها و از پیش خوانده‌هاست. بنا براین، هر متنی معنای خود را از رابطه با دیگر متون دارد.» (آلن، ۱۳۸۰: ۱۱-۵)

بینامتنیت از کشف‌های بزرگ قرن بیستم است که نگرش نوینی در زمینه رابطه عناصر کهکشان متن‌ها ارائه می‌دهد و به تعامل و جاذبه میان متنی می‌پردازد.

باید به این نکته اشاره کرد که پیش از وضع و کشف اصطلاح بینامتنیت، صفت بینامتنیت (Intertextual) وجود داشته است و واژه بینامتنیت از یک اسم (text) و یک پیشوند (inter) و یک پسوند ساز (ualite) ترکیب شده است، اما «سرانجام در قرن بیستم یولیاکریستوا (Julia Kristeva)، بانوی مهاجری از بلغارستان در سرزمین فرانسه، با کوله باری از دستاوردهای اروپای شرقی و بهره‌گیری از فضای فکری و فرهنگی اروپای غربی به این مهم دست یافت.» (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۱۰)

به عبارت دقیق‌تر، بر پایه اصل اساسی بینامتنیت، هیچ متنی بدون پیش متن نیست و متن‌ها همواره بر پایه متن‌های گذشته بنا می‌شوند. «براساس رویکردهای گوناگون نظریه بینامتنیت هر متن در حال گفت و گو با نظام فرهنگی، زبانی و ادبی است که در آن پدید می‌آید. بر این اساس هیچ متنی مستقل از دیگری نیست و هر متنی، بینامتنی برآمده از متن‌های پیشین است.» (سلامت باویل، ۱۳۹۷: ۳۴) پس «هیچ متن، جریان یا اندیشه‌ای اتفاقی و بدون گذشته خلق نمی‌شود، بلکه همیشه از پیش چیزهایی وجود داشته است. انسان از هیچ نمی‌تواند چیزی بسازد، بلکه باید تصویری (خیالی یا واقعی) از متنی وجود داشته باشد تا ماده اولیه ذهن او شود و او بتواند آن را همان گون یا دگرگون بسازد.» (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۲۷)

براساس نظریه ژرار ژنت (Gérard Genette) «همه متون آمیزه‌ای از نوشته‌ها و متون پیش از خود هستند اما شیوه تأثیرپذیری آن‌ها با توجه به ایضاح یا ایهام متون گذشته در متن حاضر

متفاوت است. بر همین اساس، او نظریه بینامتنیت خود را به سه گونه آشکار-تعمدی، پنهان-تعمدی و بینامتنیت ضمنی تقسیم می‌کند.» (کامیاب و محمدی، ۱۳۹۶: ۲۲۸)

قرآن مجید کتاب آسمانی و دینی ما، مسلمانان، می‌باشد، «معانی و مفاهیم آن در طول چهارده قرن از جهات مختلف در حیات فردی و اجتماعی ما تأثیر پنهان و آشکار نهاده است. چنان که امروزه نمی‌توان جنبه‌ای از جنبه‌های گوناگون زندگانی مسلمانان را یاد کرد که قرآن مجید و معنای والای آن به نحوی مستقیم یا غیر مستقیم، در آن تأثیری نگذاشته باشد و هر کس که در این باره تأملی به سزا کرده باشد و عناد نورزد، به صحت این اعتقاد اقرار می‌دهد.» (حلبی، ۱۳۹۰: ۳) از این رو تأثیرپذیری و هم‌حضور متون ادب فارسی از قرآن کریم و حدیث از دیرباز وجود داشته است و پیشینه آن به «آغاز پیدایی و پاگیری شعر فارسی یعنی نیمه‌های سده سوم می‌رسد... اما با گذشت زمان و گسترش شعر فارسی، بویژه پیوند آن با پاره‌ای از پدیده‌های فرهنگی که پیوند استوار و نزدیکی با قرآن و حدیث داشتند، و نیز پدید آمدن پاره‌ای از سخنوران که افزون بر طبع توانای شاعری، در قرآن و حدیث و معارف اسلامی نیز دستی پر توان و توانی پر و پیمان داشتند، زمینه شد تا تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی گسترشی روز افزون یابد و سرانجام در سده‌های هفتم و هشتم بویژه در مثنوی مولانا به اوج خود برسد.» (راستگو، ۱۳۹۷: ۷-۶) برای بیان بهره‌گیری شاعران و نویسندگان مسلمان ایرانی، از قرآن و احادیث، می‌توان به کتاب‌های بدیع، معانی و بیان مراجعه کرد، «زیرا که تقریباً هیچ یک از مباحث معانی و بیان و صنایع لفظی و معنوی بدیع را نمی‌توان یاد کرد که علمای ادب تازی و پارسی برای آن مبحث مثالی از قرآن مجید و حدیث رسول اکرم (ص) و سخنان امامان معصوم (ع) ذکر نکرده باشند... اما کاربرد صناعات ویژه‌ای چون ارسال المثل، ارسال المثلین اشاره، تلمیح، اقتباس، تمثیل و حلّ از بقیه مشخص‌تر است.» (حلبی، ۱۳۹۰: ۳۰-۲۹)

سید محمد راستگو در کتاب «تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی»، بهره‌گیری شاعران فارسی‌گوی از قرآن و حدیث را مانند بهره‌گیری از هر پدیده ادبی دیگر، در شکل و شیوه‌های گوناگونی بیان می‌کند که عبارتند از: ۱) واژگانی (وام‌گیری، ترجمه و برآیندسازی. ۲) اثرپذیری گزاره‌ای (اقتباس یا تضمین و حلّ). ۳) اثرپذیری گزارشی (ترجمه و تفسیر). ۴) اثرپذیری

الهامی - بنیادی. ۵) اثر پذیری تلمیحی. ۶) اثر پذیری تأویلی. ۷) اثر پذیری تطبیقی. ۸) اثر پذیری تصویری. ۹) اثر پذیری ساختاری - سبکی. ۱۰) اثر پذیری شیوه‌ای. ۱۱) اثر پذیری چند سویه. (ر.ک. راستگو، ۱۳۹۷: ۸-۹)

از دیدگاه محققان و نظریه پردازان، تأثیر قرآن و حدیث در شعر و ادب فارسی دارای انواع و شکل‌های گوناگونی می‌باشد که به آن‌ها اشاره گردیده است؛ با توجه به این نظرات و برحسب نوع نگرش محققانی که بیان شده است، این انواع و شکل‌ها دسته‌بندی و تقسیم می‌شوند و از این حیث، هم حضوری اشعار علامه حسن زاده آملی با قرآن کریم بررسی می‌شود.

- بحث و بررسی

۲. انواع هم حضوری اشعار عرفانی علامه حسن زاده آملی با قرآن کریم

اینک با توجه به رویکرد و نظریه بینامتنیت، اشعار عرفانی علامه، حسن زاده آملی تحت عنوان پسامتن، در بهره‌گیری از آیات قرآن کریم به عنوان پیشامتن، به نگاه ادب دوستان می‌رسد. پیشتر به این نکته اشاره می‌شود که برای زیبایی متن و عدم تکرار و جلوگیری از تنافر واژگانی، از نوشتن کلمات «پسامتن و پیشامتن» و یا «زیر متن و زبر متن» در اکثر نمونه‌های شعری خودداری می‌گردد.

۲-۱. رابطه بینامتنی کامل متنی

رابطه کامل متنی «تکیه بر متن کامل و مستقل است و دقیقاً همان متن اصلی بدون افزایش و یا کم و کاست در سیاق اولیّه و اصلی‌اش توسط آفریننده متن (پسامتن) به کار می‌رود. خواه این متن یک بیت باشد یا یک مصراع یا یک قصیده یا عبارت نثری.» (حلبی، ۲۰۰۷: ۶۱) علامه در اشعار خود با بهره‌گیری از آیات قرآنی کوتاه و بدون کم و کاست و گاه با اندکی تغییر به شعر خود غنای بیشتری داده است.

پسامتن:

سخن دیرکهن از دهن وهم نکوست کلّ یومِ هوفی شأن تبراً دارد
(حسن زاده آملی، ۱۳۹۱: ۹۷)

پیشامتن: شاعر، با تضمینی آشکار و آوردن متنی از آیه قرآن کریم در بافت شعر خود، از آن بهره می‌گیرد؛ خداوند می‌فرماید: «يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» هر که در آسمان‌ها و زمین است از او درخواست می‌کند هر زمان او در کاری است. (الرَّحْمَنُ / ۲۹) علامه در این بیت، به تربیت الهی اشاره می‌کند که زمینی‌ها و آسمانیان از او آگاهی می‌خواهند.

شدگاه وصل دلداری، قم ایها المزمّل آمد زمان دیدار، قم ایها المزمّل
(حسن‌زاده آملی، ۱۳۹۱: ۱۳۹)

«یا ایها المزمّل» (مزمّل / ۱)

عقل ره پیمود اما از بزوغ و از افول عشق فریادش برآمد لأحِبُّ الْآفَلِينَ
(حسن‌زاده آملی، ۱۳۹۱: ۱۷۵)

شاعر با آوردن بخشی از آیه سوره مبارکه الانعام: «فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفَلِينَ» پس چون شب بر او پرده افکند ستاره‌ای دید گفت این پروردگار من است و آنگاه چون غروب کرد گفت غروب کنندگان را دوست ندارم. (الانعام / ۷۶) به مقایسه عقل و عشق می‌پردازد و برای انتقال پیام خود از مصادیق و مضامین قرآنی بهره گرفته است.

آشکارا قیام بنموده یوم تبلی السرائر اشیا
(حسن‌زاده آملی، ۱۳۹۱: ۳۹۴)

علامه با استناد و بهره‌گیری از آیه قرآن کریم، به یکی از مباحث تربیت دینی و هشدار دهنده قرآنی (قیامت) اشاره می‌کند. «يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ» آن روز که رازها [همه] فاش شود. (الطَّارِقُ / ۹)

بود آن لیلۀ پر قدر و پر اجر سلام هی حتی مطلع الفجر
(حسن‌زاده آملی، ۱۳۹۱: ۴۴۵)

شاعر در این بیت با اقتباس از قرآن کریم، آیه را کامل و بدون تغییر در شعر خود آورده است. «سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ» (قدر / ۵)

عروج اندر شب است و گوش دل ده به سبحان الذی اسری بعبده
(حسن‌زاده آملی، ۱۳۹۱: ۴۴۵)

قرآن کریم می فرماید: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (الاسراء / ۱) استاد با اقتباس بخشی از این آیه اشاره می کند: «یکی از برکات در شب، معراج انسان است که با ارتقاء وجودی اش می تواند تا به قاب قوسین او آدنی سیر نماید.» (صمدی آملی، ۱۳۸۴: ۸۷)

«نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» شنیدنی ولی اطوار نفخش را ندیدنی
(حسن زاده آملی، ۱۳۹۱: ۴۹۳)

علامه بخشی از آیه قرآن مجید را بدون تغییر و بدون جابه جایی در شعر خود بهره می گیرد تا پیام خود را برساند؛ خداوند می فرماید: «فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (الحجر / ۲۹) علامه با بهره گیری از این آیه، معتقد است که «بر این اساس نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي از مسیر و جدول خلقت والدین به جنین تعلق می گیرد، لذا از جداول رنگ می پذیرد؛ یعنی کأن پدر و مادر هریک در حقیقت نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي شرکت دارند.» (صمدی آملی، ۱۳۸۴: ۳۸۷)

۲-۲. رابطه بینامتنی کامل تعدیلی

در این شیوه «شاعر به متنی مستقل و کامل (خواه یک مصراع یا یک بیت یا یک قصیده و یا عبارت نثری) تکیه دارد. او این متن را از سیاقش جدا کرده و بعد از اعمال برخی ساختار شکنی های ساده و یا پیچیده، همچون کم و زیاد کردن، تقدیم و تأخیر اجزاء، تغییر زمان و صیغه افعال، تبدیل جملات انشایی به خبری و برعکس، آن متن را در بافت متن شعر خود می نهد و از آن در جهت بیان اندیشه شعری جدید بهره می برد.» (حلبی، ۲۰۰۷: ۶۴)

یادش شهاب رجم شیطان مارد آمد از آسمان جان رندان باصفا را
(حسن زاده آملی، ۱۳۹۱: ۳۲)

شاعر با کاستن و بهره گیری قسمتی از آیه قرآن کریم، آن را در بافت شعر خود قرار داده است تا به این وسیله، اندیشه خود را در قالب شعر و ادب فارسی بیان کند. «وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ» (الصافات / ۷)

ساقی به حق جام شراب ظهور دوست هرگز مدار تشنه دور از نظر مرا
(حسن زاده آملی، ۱۳۹۱: ۳۲)

علّامه با تأثیرپذیری از آیه ۲۱ سوره انسان که می‌فرماید: «عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٌ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا» بخشی از این آیه را برداشته است و با تغییراتی که در آن داده است در شعر خود به کار می‌گیرد تا پیام عرفانی خود را برساند.

فِي ظُلْمِهِ اللَّيْلِ تَنَاجَى الْإِلَه
تَكَلَّمَ اللهُ كَمُوسَى بِطُور

(همان: ۱۱۷)

شاعر با اقتباس از آیه قرآن کریم و با تغییراتی که در آن داده است، آن را در بافت شعر خود به کار می‌گیرد. برگرفته از سوره النساء، آیه ۱۶۴: «وَرَسُولًا قَدْ قَصَصْنَا هُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرَسُولًا لَمْ تَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللهُ مُوسَى تَكْلِيمًا»

ز اکل فوقت ار نبود نصیبی
ز تحت ارجل است دیو عجیبی

(همان: ۴۶۶)

شاعر با بهره‌گیری از آیه قرآن کریم و با جدا کردن متن از سیاق اصلی آن و با تغییراتی که داده است، آن را در بافت شعر خود به کار گرفته است. «وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكْلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مَنَّهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مَنَّهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ» (مائده / ۶۶)

۲-۳. رابطه بینامتنی اشاره‌ای (تلمیحی)

تلمیح در لغت به معنای: «نمودن و آشکارکردن و اشاره کردن به چیزی است و در اصطلاح آن است که اشاراتی ضمنی به گذشته‌های دور، اساطیر و داستان‌های معروف و زبانزد در شعر بکنند. آوردن امثال و آیات و احادیث هم می‌تواند مشمول تعریف تلمیح گردد.» (فشارکی، ۱۳۸۷: ۱۴۴) و در «فن بدیع عبارت از این است که نویسنده یا شاعر برای اثبات سخن خود به آیه‌ای، حدیثی مشهور و معروف اشاره کند و یا این که از اصطلاحات علوم استفاده کند، بی آن که صریحاً متذکر استفاده خود باشد.» (حلبی، ۱۳۹۰: ۳۴) و از نوع رابطه بینامتنی، شاعر شعر خود را بر «پایه نکته‌ای قرآنی یا روایی بنا می‌نهد، اما به عمد آن را با نشانه و اشاره‌ای همراه می‌سازد و به این گونه خواننده اهل و آشنا را به آن چه خود بدان نظر داشته، راه می‌نماید، و چه بسا خواننده ناآشنا را به کند و کاو و پرس و جو وا می‌دارد.» (راستگو، ۱۳۹۷: ۵۲) همچنین «در این رابطه شاعر به ذکر یک یا

چند نشانه در کلام که خواننده را به متن غایب رهنمون سازد، اکتفا می‌کند و با الفاظی اندک معانی بسیاری را به ذهن خواننده می‌رساند.» (حیبی، ۱۳۹۲: ۴۷)

اینک، به بیت‌هایی از اشعار علامه، تحت عنوان پسامتن اشاره می‌شود:

و یا با این که در جایث مقیمی چو آصف آوری عرش عظیمی

(حسن زاده آملی، ۱۳۹۱: ۴۱۲)

در سوره نمل به دیدار و گفتگوی ملکه سبا (بلقیس) و سلیمان نبی (ع) اشاره شده است.

زگل سازد همی بر هیأت طیرر دمد در او شود طیر و کند سیر

(همان: ۴۱۴)

شاعر در این بیت به داستان حضرت ابراهیم (ع) اشاره می‌کند و همچنین در آیه ۲۶۰ از سوره بقره آمده است: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أُولَمْ تُؤْمِنُ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»

چو ابراهیم و یوسف باش ذاکر جناب حق تعالی را به فاطر

(حسن زاده آملی، ۱۳۹۱: ۴۲۹)

علامه در این بیت به آیه ۵۶ انبیا و ۱۰۱ یوسف اشاره دارد که می‌فرماید: «قَالَ بَلْ رُبُّكُمْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ، فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (صمدی آملی، ۱۳۷۹: ۶۲۸)

به بسم الله الرحمن الرحيم است که آن اصحاب كهفست و رقيم است

(حسن زاده آملی، ۱۳۹۱: ۴۹۱)

شاعر با بهره‌گیری از قرآن کریم در شعر خود به داستان اصحاب كهف اشاره می‌کند؛ در سوره الكهف، آیه ۹ آمده است: «أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِن آيَاتِنَا عَجَبًا» (صمدی آملی، ۱۳۸۴: ۳۶۷)

۲-۴. رابطه بینامتنی الهامی و مفهومی

در این رابطه بینامتنی، «گوینده مایه و پایه سخن خویش را از آیه یا حدیثی الهام می‌گیرد و سروده خویش را بر آن نکته الهام گرفته بنیاد می‌نهد، و سخنی می‌پردازد که آشنایان، آن را با آیه یا

حدیثی در پیوند می‌بینند.» (راستگو، ۱۳۹۷: ۴۷) و در تعریفی دیگر: «شاعر مایه اصلی سخن خویش را از مفهوم یا نکته‌ای اخذ می‌کند و در پردازش سخن به گونه‌ای عمل می‌نماید که خواننده آگاه به متن غایب پس از خواندن آن پیوند مفهومی و مضمونی میان زیرمتن و زیرمتن را احساس نماید.» (حلی، ۲۰۰۷: ۷۳-۷۲) از این نوع رابطه بینامتنی به کرات در اشعار علامه دیده می‌شود، اینک به نمونه‌هایی از آنها تحت عنوان زیرمتن اشاره می‌گردد:

درد مرا درمان کند دشوار من آسان کند هر چه که خواهد آن کند حکم است آن فرزانه را

(حسن‌زاده آملی، ۱۳۹۱: ۴۲)

شاعر در این بیت، پایه اصلی سخن خود را از آیه قرآن کریم الهام می‌گیرد که می‌فرماید: «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (آل عمران / ۲۶)

حجاب دیده دل گرددت آمال دنیاوی کج‌دیدن توانی تا بود این گونه دیدن‌ها

(حسن‌زاده آملی، ۱۳۹۱: ۴۹)

علامه با الهام بخشی از قرآن کریم و بهره‌گیری از مضمون آن در بافت شعر خود، خواننده آشنا را به متن غایب رهنمون می‌سازد. «... وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ» (آل عمران / ۱۸۵)

جز سوز و گداز چاره‌ای نبود کاین راه به زور و زر و درهم نیست

(حسن‌زاده آملی، ۱۳۹۱: ۸۴)

شاعر الهام گرفته است به: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ...» (البقره / ۲۵۶)

پیرما گفت به جز بود خدا بودی نیست با ادب باش جز او شاهد و مشهودی نیست

(حسن‌زاده آملی، ۱۳۹۱: ۹۰)

مفهوم بیت الهام گرفته است از: «... فَأَيُّنَمَا تَوَلَّوْا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (البقره / ۱۱۵)

از خدمت نفست بپر ای دوست که این دون گرگی ست که هرگز نشود رام و دگرهیچ

(حسن‌زاده آملی، ۱۳۹۱: ۹۵)

شاعر در این بیت از آیه قرآن کریم الهام گرفته است که می‌فرماید: «...إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ
بِالسُّوءِ إِلَّا مَرَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ» (یوسف / ۵۳)

وحشت از خلق چه داری که خدای است انیس عزت از خلق چه خواهی زخدای است اعزاز

(حسن زاده آملی، ۱۳۹۱: ۱۱۸)

شاعر الهام گرفته است از: «وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبْ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ...»
(الطَّلَاق: ۳) و «يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ...» (المنافقون / ۸)

تو که نزدیک تر از من به منی می‌دانی که من خسته دل از راه دراز آمده‌ام

(حسن زاده آملی، ۱۳۹۱: ۱۴۰)

«وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَّمْنَا مَا تُوسَّوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (ق / ۱۶)

غافل از قافله بودم به سحرگاه سفر راه دور است وکتل‌ها به مقابل، چه کنم؟

(حسن زاده آملی، ۱۳۹۱: ۱۵۸)

مفهوم بیت از قرآن کریم برگرفته می‌باشد که می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» به تحقیق
آفریدیم انسان را در رنج». (البلد / ۴)

ای نبرده به کوی دلبر راه سوزی از شعله‌های حسرت و آه

(حسن زاده آملی، ۱۳۹۱: ۱۸۵)

شاعر از مفهوم قرآن کریم الهام می‌گیرد و آن را در بافت شعر خود استفاده می‌کند؛ «وَإِنَّهُ
لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ» به درستی آن حسرت است برکافران». (الحاقه / ۵۰)

ذره‌ای نیست در همه عالم نبود بی قرار یعنی چه؟

(حسن زاده آملی، ۱۳۹۱: ۱۹۰)

«لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ» (یس / ۴۰)

چون نبالم به خود که صنع توام؟ گوهری شب چراغ یکدانه

(حسن زاده آملی، ۱۳۹۱: ۲۰۰)

شاعر در بیت از متن اصلی قرآن الهام گرفته است که می فرماید: «... ثُمَّ أَنْشَأَهُ خَلْقًا آخَرَ
فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (المؤمنون / ۱۴)

با که گویم که چه می کشم از دست دلم؟ با تو گویم که ز احوال دلم با خبری

(حسن زاده آملی، ۱۳۹۱: ۲۱۰)

قرآن می فرماید: «قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا» (الاسراء / ۹۶)

که حق سبحانه در ص قرآن چو فرماید ز استکبار شیطان

در آن گفت و شنود با عتابش نباشد واسطه اندر خطابش

(حسن زاده آملی، ۱۳۹۱: ۴۱۱)

در آیه ۷۵ سوره ص که خداوند به ابلیس فرمود: «قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ
بِيَدِي أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ» (صمدی آملی، ۱۳۷۹: ۴۲۱) شاعر با الهام گیری از مفهوم این آیه
برای بیان اندیشه خود در شعر، بهره برده است.

بلی این حکم چون آب زلال است که بعد از حق فقط راه ضلال است

(حسن زاده آملی، ۱۳۹۱: ۴۳۶)

شاعر در بافت شعر خود از مفهوم آیه ۳۲ سوره یونس الهام گرفته است که فرمود: «فَذَلِكُمْ
اللَّهُ رَبُّكُمْ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنْتِ تُصِرُّونَ»

نشد تا جان تو بی عیب و بی ریب دری روی تو نگشایند از غیب

(حسن زاده آملی، ۱۳۹۱: ۴۷۷)

علامه با استفاده از مضمون و مفهوم آیه قرآن کریم در شعر خود، ذهن خواننده آگاه را به متن غایب
رهنمون می سازد؛ «الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (النحل / ۳۲)

زمین و آسمان و ماه و خورشید همه تسبیح او گویند و توحید

(حسن زاده آملی، ۱۳۹۱: ۵۱۴)

بیت از مفهوم آیه ۱ سوره‌های مبارکه الجمعة و التغابن الهام گرفته است که می‌فرماید: «يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ»

۲-۵. بینامتنیت اسلوبی و سبکی

در این نوع از بینامتنیت، «سخنور ساختاری قرآنی یا حدیثی چونان نمونه و سرمشقی پیش چشم می‌گیرد و سخن خویش را در ساخت و بافتی می‌پردازد که با آن همخوان و همسان باشد... یکی از ویژگی‌های سبکی - ساختاری قرآن مجید روساخت گسسته‌نما و بریده بریده و ژرف ساخت پیوسته و در هم تنیده آن است.» (راستگو، ۱۳۹۷: ۷۰) در این شیوه، شاعر با الگو گرفتن از اسلوب و سبک زبانی و بیانی قرآن، سخن خود را بر اساس همین روش طرح‌ریزی می‌کند و به واسطه انس عمیق با قرآن کریم و این که آیات قرآن مجید در جسم و جان او ساری و جاری می‌باشد، از سبک و نگارش قرآن تأثیر می‌پذیرد.

۲-۵-۱. بهره‌گیری از کلمات آهنگین پایان آیات قرآنی

شاعر از کلمات پایانی آیات و سجع‌های قرآنی به عنوان قوافی در شعر خود بهره می‌گیرد.

جز خداوند نبوده ست در اندیشه تو که جزای تو خداوند به احسان آمد

(حسن‌زاده آملی، ۱۳۹۱: ۱۰۸)

کلمه قافیه از کلمه پایانی آیه گرفته شده است: «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» (الرَّحْمَنُ / ۶۰)

چشمه آب حیات است دهانی که ازو همه درس و همه بحث و همه تبیان آمد

(حسن‌زاده آملی، ۱۳۹۱: ۱۰۸)

«هُؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ» (النَّحْلُ / ۸۹)

تعالی الله که از «حَمَاءِ مَسْنُونِ» مثال خویش را آورده بیرون

(حسن‌زاده آملی، ۱۳۹۱: ۴۶۵)

علامه با اقتباس از کلمات پایانی آیه قرآن کریم، برای پردازش کلمات قافیه در بافت شعر

خود استفاده کرده است: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ» (الحجر: ۲۶)

۲-۵-۲. ترکیب قصص و داستان‌ها

از جلوه‌های دیگر قرآن کریم، آمیختگی با قصص می‌باشد که بر زیبایی‌های آن افزوده است، شاعر با آگاهی کامل از این نام‌ها یاد می‌کند تا غنای بیشتری بر شعر خود ببخشد؛ نمونه‌هایی مانند:

صور اسرافیل عشق است و خروش اوست، اوست داد میکائیل کیل است و ندای داد، داد

(حسن‌زاده آملی، ۱۳۹۱: ۹۶)

اشاره دارد به: «وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنسِلُونَ» (یس / ۵۱)

فی ظُلمه اللَّیْلِ تناجی الاله تکلم الله کموسی بطور

(حسن‌زاده آملی، ۱۳۹۱: ۱۱۷)

شاعر در بیت به: «وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِن قَبْلُ وَرُسُلًا لَّمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَىٰ

تَكَلِيمًا» (النساء / ۱۶۴) اشاره دارد.

چه در دنیا و در عقبی ولی است لسان صدق یوسف نبی است

(حسن‌زاده آملی، ۱۳۹۱: ۴۱۶)

شاعر به قصه حضرت یوسف (ع) اشاره می‌کند؛ «رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِن تَأْوِيلِ

الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ فِی الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (یوسف / ۱۰۱)

۲-۶. رابطه بینامتنی جزئی

شاعر قسمتهایی از جمله‌ها و عبارات قرآنی را آگاهانه و یا ناخودآگاه انتخاب می‌کند و

در متن و بافت شعر خود می‌آورد و ذهن خواننده آشنا را به پیش متن سوق می‌دهد.

برو برخوان آتینا طائعین را جواب آسمان‌ها و زمین را

(حسن‌زاده آملی، ۱۳۹۱: ۴۲۳)

اقتباس شده است از: «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا

أَتَيْنَا طَائِعِينَ» (فصلت / ۱۱)

گرت اوفوا بعهدی در شهود است وجوب امر اوفوا بالعقود است
(حسن زاده آملی، ۱۳۹۱: ۴۴۷)

شاعر با بهره‌گیری از عبارات قرآنی، ذهن خواننده را به متن آیات سوق می‌دهد. «وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِيْ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ» (البقره: ۴۰) و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (المائده: ۱)

بیا برخوان تو «نحن الزارعون» را بیاب زارع بی چند و چون را
(حسن زاده آملی، ۱۳۹۱: ۵۰۶)

شاعر از جمله کوتاه قرآنی اقتباس کرده است: «أَنْتُمْ تَزْرَعُونَ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ» (الواقعه/ ۶۴)

حسبنا الله گفتم و نعم الوکیل از جان و دل هرچه بگرفته ست بگرفته ست و هرچه داد، داد
(حسن زاده آملی، ۱۳۹۱: ۹۶)

این بیت اقتباس شده است از: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنَعْمَ الْوَكِيلُ» (آل عمران / ۱۷۳)

۲-۷. رابطه بینامتنی واژگانی

در این نوع از رابطه بینامتنی، «شاعر در به کارگیری پاره‌ای از واژه‌ها و ترکیب‌ها، وامدار قرآن و حدیث است، یعنی واژه‌ها و ترکیب‌هایی را در شعر خویش می‌آورد که ریشه قرآنی و حدیثی دارند، و مستقیم یا غیرمستقیم توسط خود شاعر یا دیگران به زبان و ادبیات فارسی راه یافته اند.» (راستگو، ۱۳۹۷: ۱۵) مواردی که از این نوع رابطه در اشعار علامه دیده می‌شود، عبارتند از: افعال، نام سوره‌های قرآن، واژه‌های متضاد و متقابل.

۲-۷-۱. افعال

با بهره‌گیری از افعال قرآنی، ذهن مخاطب به سمت آیه مبارکه می‌رود.
حمدلله که حسن تا ز ندای خوش دوست ارجعی را بشنیده ست غزل خوان آمد
(حسن زاده آملی، ۱۳۹۱: ۱۰۹)

شاعر با بهره‌گیری از افعال قرآنی در شعر خود، ذهن خواننده آگاه را به سوی کلّ آیه و مفهوم آن می‌برد. قرآن می‌فرماید: «ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً.» (الفجر / ۲۸)

تعالوا را شنو از حق تعالی تو را دعوت نموده سوی بالا

(حسن‌زاده آملی، ۱۳۹۱: ۴۶۵)

منظور از «تعالوا» در شعر، خطاب‌های قرآنی می‌باشد که شاعر در این بیت، برای تأثیرپذیری بیشتر از آن بهره گرفته است؛ مانند آیه ۶۴ از سوره آل عمران: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَعُوًّا قَتَلُوا أَشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»

۲-۷-۲. نام سوره های قرآن

شاعر برای این که خواننده را به مفهومی یا پیامی کلی‌تر رهنمون سازد، نام سوره‌های قرآن کریم را در بافت شعر خود می‌آورد؛ مانند:

چه قرآن آمده در لیل القدر ز قدرش می‌گشاید مر تو را صدر

(حسن‌زاده آملی، ۱۳۹۱: ۳۴۹)

نگر در سوره رحمن که انسان بود در بین دو تعلیم رحمان

(همان: ۴۳۴)

بود این سفره اش بی هیچ وسواس ز بدو فاتحه تا آخر ناس

(همان: ۴۳۱)

۳-۷-۲. واژه های متضاد و متقابل

علامه، از این نوع رابطه بینامتنی نیز در شعر خود بهره گرفته است.

مظهرچه و ظاهر که و مجلی چه و مجلی اوّل که و آخر که و حاضر که و غایب

(همان: ۵۲)

قرآن می‌فرماید: «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ.» (الحديد / ۳)

انواع روابط بینامتنی در اشعار علامه حسن زاده آملی



نتیجه گیری

حسن حسن زاده آملی شاعر عارف معاصر با آگاهی و احاطه کامل، از علوم قرآنی و احادیث برای آفرینش اشعار خود بهره گرفته است و به طور محسوس، تأثیرپذیری از قرآن کریم در شعرهایش دیده می شود؛ اشعارش جز عرفان چیز دیگری نیست. او با توانمندی، عرفان و قرآن و احادیث ائمه معصومین (علیهم السلام) را چاشنی اشعارش نموده است.

با توجه به نظریه بینامتنیت و تحلیل اشعار عرفانی علامه، درمی یابیم که او با تسلط و آگاهی کاملی که از متون قرآن کریم به عنوان پیشامتن دارد، به درستی در اشعار خود که پسامتن آن می باشد، از مضامین و مفاهیم قرآنی استفاده می کند و ذهن خواننده آگاه و آشنا را به سوی آیات قرآن کریم می کشاند و همچنین شعر خود را با آن مضامین و مفاهیم می آراید و با این شیوه، اندیشه خود را در قالب شعر و ادب فارسی به مخاطبین عرضه می کند؛ با بررسی هایی که بر اساس نظریه بینامتنی در اشعار علامه حسن زاده آملی به عمل آمده است، درمی یابیم که انواع روابط بینامتنی در شعرهای او دیده می شود، در ابتدا، رابطه بینامتنی کامل متنی و کامل تعدیلی بررسی شده است و سپس شعرهایش در انواع روابط بینامتنی، رابطه اشاره ای، الهامی و مفهومی، اسلوبی، جزئی و واژگانی مورد تحلیل قرار گرفته است. در برآیند بررسی هایی که صورت گرفته است، در بین انواع رابطه بینامتنی به ترتیب: الهامی و مفهومی، واژگانی، جزئی، اسلوبی و سبکی، کامل متنی، تعدیلی و تلمیحی بیشتر خود نمایی می کند.

فهرست منابع و مآخذ

الف - کتابنامه

- ۱- قرآن کریم، (۱۳۸۶)، مترجم: محمود اشرفی تبریزی، تهران: بدرقه جاویدان، چاپ ۱۱.
- ۲- حسن زاده آملی (علامه)، حسن، (۱۳۹۱)، دیوان اشعار، با اهتمام سید سعید هاشمی، قم: الف. لام. میم، چاپ اول.
- ۳- حلبی، علی اصغر، (۱۳۹۰)، تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی، تهران: دانشگاه پیام نور، چاپ چهارم.
- ۵- دانش پژوه، منوچهر، (۱۳۸۶)، فرهنگ اصطلاحات عرفانی، تهران: فرزانه، چاپ اول.
- ۶- راستگو، محمد، (۱۳۹۷)، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، تهران: سمت، چاپ ۱۳.
- ۷- صمدی آملی، داود، (۱۳۷۹ الف)، شرح دفتر دل، قم: نبوغ، چاپ اول.
- ۸- _____، (۱۳۸۴ ب)، شرح دفتر دل، قم: نبوغ، چاپ سوم.
- ۹- فشارکی، محمد، (۱۳۸۷)، نقد بدیع، تهران: سمت، چاپ سوم.
- ۱۰- نامور مطلق، بهمن، (۱۳۹۰)، درآمدی بر بینامتنیت، تهران: سخن، چاپ اول.
- ۱۱- یثربی، سیدیحیی، (۱۳۷۰)، فلسفه عرفان، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
- ۱۲- _____، (۱۳۸۵)، آب طربناک، تهران: علم، چاپ اول.

ب - مقالات

- ۱۳- حبیبی، علی اصغر، (۱۳۹۲)، «بررسی روابط بر بینامتنی میان شعر صافی الدین حلّی و قرآن کریم»، «علوم قرآن و حدیث»، سال ۱، شماره ۴، صص: ۲۷ - ۶۲.
- ۱۴- حلبی، احمد طعمه، (۲۰۰۷)، «اشکال التناص الشعری شعرالبیاتی النموذج»، مجله «الموقف الادبی»، شماره ۴۳۰، صص: ۸۰ - ۸۳.
- ۱۵- سلامت باویل، لطیفه، (۱۳۹۷)، «بینامتنیت آیات و احادیث در غزلیات شمس»، فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش دینی»، شماره ۳۶، صص: ۳۳ - ۶۱.

- ۱۶- شاهرخی، فرانگیس، (۱۳۹۷)، «بررسی انواع روابط بینامتنی اشعار احمد عزیزی و قرآن کریم»، فصلنامه علمی - پژوهشی «کاوش نامه»، سال ۱۹، شماره ۳۶، صص: ۲۰۴ - ۲۳۲.
- ۱۷- صفری نیا، سمیه، (۱۳۹۲)، «بررسی بینامتنیت در آثار سیمین دانشور»، کارشناسی ارشد، زبان و ادبیات فارسی، سنج: دانشگاه کردستان.
- ۱۸- کامیاب، مرجان؛ محمدی، سمیه، (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی انواع بینامتنیت ژنت با نظریه بلاغت اسلامی در نفثه المصدور زیدری نسوی»، فصلنامه علمی - پژوهشی «زیبایی شناسی ادبی»، سال ۱۵، شماره ۳۱، صص: ۲۱۷ - ۲۴۲.
- ۱۹- یلمه‌ها، احمدرضا؛ رجبی، مسلم، (۱۳۹۴)، «بینامتنیت آیات و روایات در گلستان سعدی»، فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش‌های ادبی - قرآنی»، سال ۳، شماره ۴، صص: ۸۳ - ۹۷.